



مؤسسه حقوق بشر و محو خشونت

## Human Rights & Eradication of Violence Organization 'Training & Empowerment of Young Professional Advocates in Afghanistan'

### علل جرم شناسی قتل های ناموسی در افغانستان

فریبا ناصری

#### چکیده

ناموس در جوامع سنتی و قبیله‌ای، اهمیت به سزایی دارد و به معنی وابسته بودن زنان به مردان خانواده یا طایفه که در رابطه نسبی یا سببی با همدیگر قرار دارند، اطلاق می‌شود. قتل‌های ناموسی به علت‌های گوناگونی مانند، عوامل فرهنگی - اجتماعی، نگرش جنسی و جنسیتی نسبت به زنان، کتمان واقعات قتل‌های ناموسی به دلیل حساسیت‌های سنتی، بی‌سوادی و پایین بودن سطح آگاهی‌های عمومی، بدگمانی، اعتیاد به مواد مخدر، ارتباط دارد. تمامی این موارد سبب می‌شود تا قضایایی قتل‌های ناموسی به گونه درست و اساسی آن مورد پی‌گرد قرار نگیرد و این نقیصه سبب افزایش این گونه قتل‌ها در جامعه افغانستان شده است. در چنین جوامعی مردان، تسلط کامل بر سرنوشت زنان دارند و می‌توانند در تمامی امورات زندگی برای آنان تعیین تکلیف نمایند.

پیامدهای اجتماعی قتل‌های ناموسی، نه تنها موجب اوج گرفتن حس انتقام‌جویی، خشونت، احساس حقارت و عقده در فرزندان قربانی می‌شود که حتی دامن‌گیر نسل‌های بعدی آنان نیز می‌گردد. از سوی دیگر پیامد این مسأله محرومیت از تحصیل، کار و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و دیگر آزادی‌های اساسی آن‌ها را شامل می‌شود. از این رو، قتل‌های ناموسی، موجب محرومیت زنان و دختران از مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آن‌ها می‌شود و این مسأله در مناطق روستایی و قبیله‌ای بسیار جدی است. جرایم که

از تعصبات ناموسی، ناشی می‌شود، در طول زمان و در طی قرن‌های متمادی شکل گرفته است و به یک رویکرد فرهنگی ثابت، استوار و کهن مبدل شده است.

## کلید واژگان: قتل‌های ناموسی، جرم‌شناسی، حقوق، جزا، افغانستان

### مقدمه

قتل‌های ناموسی به مثابه اساسی‌ترین مورد خشونت علیه زنان، چالش جدی در برابر زنان افغانستان به شمار می‌رود و همه ساله شماری زیادی از آنان را قربانی می‌سازند. منشأ اساسی قتل‌های ناموسی، مربوط به ساختارهای سنتی جامعه، نقش زنان بیشتر به عنوان افراد درجه دوم اجتماع تعریف شده که فاقد اختیارات تصمیم‌گیری و فعالیت‌های بیرون از خانه می‌باشند. از آن‌جای که زنان در چنین جوامعی در نقش سرمایه‌های مادی خانواده‌ها ظاهر می‌شود و حق مالکیت زنان را به مردان داده‌اند، از این‌رو مردان خانواده حق نظارت کامل از اعضای خانواده، به ویژه زنان را برای خود محفوظ می‌داند و با کوچک‌ترین بدگمانی و سوء ظن نسبت به آنان، مبنی بر ارتباط جنسی با مردان بیگانه، دست به تنبیه و حتی قتل ناموسی برای حفظ آبرو و شرف خانواده خود می‌زند.

این جرایم علت‌های گوناگونی مانند، عوامل فرهنگی-اجتماعی، نگرش جنسی و جنسیتی نسبت به زنان، کتمان واقعات قتل‌های ناموسی به دلیل حساسیت‌های سنتی، بی‌سوادی و پایین بودن سطح آگاهی‌های عمومی، بدگمانی، اعتیاد به مواد مخدر و تمامی این موارد سبب می‌شود تا قضایایی قتل‌های ناموسی به گونه درست و اساسی آن مورد پی‌گرد قرار نگیرد و این نقیصه سبب افزایش این گونه قتل‌ها در جامعه افغانستان شده است.

راه کارهای قانونی مقابله با قتل‌های ناموسی در افغانستان، توسل به قانون اساسی، قانون منع خشونت علیه زنان، کنوانسیون‌ها و اعلامیه‌های بین‌المللی، کنوانسیون رفع کلیه اشکال و تبعیض علیه زنان، اعلامیه محو خشونت علیه زنان، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، صورت می‌گیرد. ماده‌های ۷، ۲۲، ۴۴ و ۵۴ از مهم‌ترین مواد قانون اساسی است که به حقوق برابر زنان با مردان تأکید نموده و دولت را مکلف به برنامه‌هایی می‌نمایند که به بهبود وضعیت زنان موثر باشند. از سوی دیگر تنفیذ قانون منع خشونت علیه زنان، یکی از اساسی‌ترین کارهای می‌باشد که دولت افغانستان در سال ۲۰۰۹، توسط فرمان تقنینی رئیس‌جمهور توشیح گردیده و تا هنوز هم لازم‌الاجرا است و یک مبنای حقوقی را جهت مبارزه با خشونت علیه زن در کشور ایجاد کرده است. هم‌چنان ماده هفتم قانون اساسی افغانستان دولت را مکلف می‌سازد تا منشور ملل متحد، معاهدات بین‌الدول، میثاق‌های بین‌المللی که افغانستان به آن‌ها ملحق شده و اعلامیه جهانی حقوق بشر

را رعایت کند. در حقیقت این ماده قانون اساسی، اساس مکلفیت دولت در رعایت تمام اسناد بین‌المللی حقوق بشر است که دولت آن‌ها را امضاء یا تصویب نموده است. چنین رویکرد در قانونگذاری تنها در صورتی موثر می‌افتد که این قوانین مو به مو بدن و به درستی اجرا گردد. در نوشته حاضر تلاش شده است که ابتدا مفاهیم مربوط توضیح داده شود و سپس علل و عوامل قتل‌های ناموسی با دقت مورد ارزیابی قرار گیرد.

## گفتار اول - قتل‌های ناموسی از نظر مفهومی

### الف - قتل‌های ناموسی

در خصوص قتل‌های ناموسی تا کنون تعریف رسمی از سوی سازمان‌ها، نهادهای بین‌المللی، متون حقوقی و قانونی افغانستان ارائه نشده و بی‌پیشینه می‌باشد. لذا بیان یک تعریف جامع و علمی از این واژه کاری مشکل و دشوار است. بنابراین «قتل‌های ناموسی یکی از مصادیق قتل‌های عمد است که قربانی آن توسط خویشاوندان مقتول به گمان برقراری رابطه جنسی با یک مرد بیگانه، مبادرت به عمل زنا، مورد تجاوز قرار گرفتن، فرار از منزل و یا حتی خودداری از ازدواج اجباری به قتل می‌رسد»<sup>۱</sup>. قربانیان این گونه قتل‌ها معمولاً زنان و دختران جوان هستند که توسط مردان خانواده به قتل می‌رسند؛ اما در برخی موارد، فرد متجاوز بعد از ارتکاب تجاوز جنسی قربانی خود را جهت پنهان کردن جنایت صورت گرفته به قتل رسانده که در چنین حالتی اگر مرتکب عمل از جمله اقارب مقتول باشد، از زمره قتل‌های ناموسی به حساب می‌آید و یکی از مهم‌ترین شاخه‌های این نوع قتل، ادعا به خاطر حفاظت از ناموس صورت می‌گیرد.

به دلیل فرهنگ‌ها و سنت‌های رایج در جامعه افغانی، منظور از واژه «ناموس»، همسر، مادر، خواهر، دختر و یا زنان خانواده مرد است. از این رو حافظ و نگهدار ناموس صرف به مردان خانواده تصور شده و متعلق به آنان می‌باشد و مرد را در موقف نظارت و سلطه بر زنان قرار می‌دهد و هر موقع احساس نماید که زن، خواهر، دختر و یا حتی مادرش کاری کرده که به گمان وی باعث آبرو ریزی خانواده شده باشد، وی را به قتل می‌رساند. قتل‌های ناموسی از مصادیق جنایت عمدی محسوب می‌شود، مانند قتلی که ناشی از عدم مهارت، بی‌احتیاطی، عدم دقت، غفلت و عدم رعایت مقررات نباشد، بلکه با اراده و قصد فاعل ارتکاب یابد. قتل عمد از آن‌جای که با ترصد و برنامه‌ریزی قبلی صورت می‌گیرد و قصد و اراده فاعل در آن موجود است، شامل قتل‌های ناموسی می‌باشد.

<sup>۱</sup>. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، گزارش تحقیق ملی، «عوامل و زمینه‌های تجاوز جنسی و قتل‌های ناموسی در افغانستان»،

قتل‌های ناموسی به دلایل و گونه‌های متعدد ارتکاب می‌یابد، مانند قتل به دلیل مبادرت به زنا (قتل ناشی از عمل منافعی عفت، قتل ناشی از روابط عاشقانه، قتل ناشی از اختلافات زناشویی).<sup>۲</sup>

فرار از منزل به قصد ازدواج هرچند که براساس ماده ۴۲۵ قانون جزا سال (۱۳۵۵) جرم محسوب نشده و هر فردی که به این عمل مبادرت ورزند، تحت شرایط مندرج در ماده فوق، مسئولیت جزایی ندارد؛ اما در جامعه‌های سنتی که دختران پا به فرار با شرایط ذکر شده می‌گذارند، اغلب به خانواده‌های‌شان تسلیم داده می‌شوند که احتمال قتل دختر فراری توسط خانواده نیز می‌رود که اینگونه قتل نیز، در زمره قتل‌های ناموسی به حساب می‌آید.

## ب - ناموس در لغت

یکی از واژه‌های که بروضعیت زندگی زنان افغان در افغانستان تاثیر فراوانی گذاشته و منجر به قتل‌های عمد می‌گردد «ناموس» است و واژه ناموس از واژه‌هایی است که صدها معنی برای آن گفته شده و ریشه‌ی آن، تاکنون نامعلوم است. برخی‌ها گفته‌اند که این واژه از یونانی «nomos» وارد شده است. واژه ناموس در جامعه افغانی مفهوم پیچیده و جنبه‌های از رابطه جنسی متعارف و نیز حقوق خاصی برای مردان در اعمال خشونت بر زنان تعریف می‌شود.

مفهوم ناموس در ادبیات و فرهنگ فارسی به معانی آبرو، شرم، راز، تدبیر، خودپسندی، نیک‌نامی، عصمت، شرف، حیثیت، زوجه و زن‌های متعلق به یک مرد؛ مثل مادر، خواهر، دختر و جز آن‌ها نیز به کار رفته است که اکثریت این معانی با مفهوم مردسالاری پیوند معنایی و اجتماعی دارد؛ اما از آن‌جای که غیرت، شرف و مردانگی مردان همیشه ارتباط مستقیم با زنان داشته‌اند، لذا واژه غیرت در ادبیات ما نیز ناموس پرستی تعریف شده است که منظور از ناموس، زنان خانواده‌ای هستند که وابسته به مرد می‌باشند. در نتیجه مردان همیشه باید مراقب نوامیس خود، براساس برداشت و استنباط خود از واژه غیرت و شرافت باشند.<sup>۴</sup>

اما اندیشه‌های مدرن می‌توانند تعاریف کهنه دنیای قدیم را به چالش بکشند و زنان را با چراهای متعدد، در رابطه با خود، اطرافیان و از همه مهم‌تر با هنجارهای مورثی جامعه مواجه سازند و آنان را به درگیری جدی وادارند که در این درگیری، آن‌ها به دنبال خودفراموشی شده خویش هستند. زنان جامعه بارها و بارها گذشته را مرور کرده‌اند

<sup>۲</sup>. همان، ص ۳۷.

<sup>۳</sup>. فرید، شهلا، روایتی از زندگی زنان افغانستان (قتل‌های ناموسی)، کابل، انتشارات نویسا، ۱۳۹۷، ص ۱۱.

<sup>۴</sup>. بختیاری نژاد، پروین، فاجعه خاموش (قتل‌های ناموسی)، ص ۱۳، بیجا، بیتا.

تا ببینند که دیروز پُر از افسوس و امروز پُر از بایدهای سخت و طاقت فرسا، راهی جز مبارزه‌ای سخت برای آنان باقی نگذاشته‌اند. ناگفته نباید گذاشت که در این مبارزه زنان بی شماری قربانی شده‌اند؛ اما مردم از تعداد اندکی این قربانی‌ها با خیراند و مابقی آن‌ها به نام‌های غیرت و آبروی خانوادگی، پنهان و پوشیده مانده است و به این قتل‌ها، «قتل‌های ناموسی» اطلاق می‌شود. فرهنگ و افکار جامعه تعریفی مناسبی از غیرت و شرافت مردان است. که به چه اندازه به بیراهه رفته است و علاقه‌مندی یک دختر و پسر حتی با رعایت آداب و رسوم، غیرت برادری را جریحه دار می‌کند. سوء ظن به کودک هفت ساله، پدر را به کشتن او ترغیب می‌کند و امتناع از ازدواج اجباری، یعنی عدم تسلط مردان بر زنان خانواده که در جوامع سنتی به این گونه مردان «بی ناموس» خطاب می‌شوند و منجر به قتل دختران می‌گردند.<sup>۵</sup> از نظر لغوی ناموس به معنای عصمت، پاکی، عفت، زوجه و زن‌های که متعلق به یک مرد، مانند؛ خواهر، همسر، مادر و امثال آن آمده است. از طرف دیگر عفت، پاکدامنی، شرف و عزت زنان خانواده وابسته به مردان‌اند و از این رو، ناموس مفهوم شناور و سیال دارد که در فرهنگ‌ها و جوامع مختلف به طریق گوناگون معنا و مصداق پیدا می‌کند؛ اما به صورت کل در اکثر کشورها دو جنبه عمومی و خصوصی دارد. این واژه از یک سو احترام و حیثیت فرد را تعریف می‌کند، مانند نگرش فرد نسبت به خودش در جامعه، و از سوی دیگر، نوع نگاه جامعه نسبت به شخص است که تا اندازه زیادی به رفتار و برخورد زنان بستگی دارد و نگاه افراد جامعه را نسبت به آنان مشخص می‌نماید. از این رو شرافت به معنی ناموس، تنها به رفتارهای او بستگی ندارد، بلکه رفتارهای دیگران نیز در سربلندی وی تاثیر گذاراند.<sup>۶</sup>

### ج- معنای اصطلاحی قتل‌های ناموسی

در خصوص تعریف اصطلاحی «قتل‌های ناموسی» لازم به ذکر است که تا کنون تعریفی مشخص و دقیقی از سوی سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی در زمینه خشونت علیه زنان یا حقوق بشر مطرح نشده است؛ اما چیزی که آشکار است، این نوع جرم یکی از جرایم ناموسی علیه زنان به حساب می‌رود و در واقع مهم‌ترین، اساسی‌ترین و نوعی خاصی از قتل‌های عمد است. یاسمین حسن، روزنامه‌نگار پاکستانی، قتل ناموسی را چنین تعریف کرده است: «عمل آدم‌کشانه‌ای که در آن، زن را به خاطر رفتار غیر اخلاقی که مرتکب شده یا گمان می‌رود که از وی سرزده است، به قتل برسانند». آدر ندارد.

<sup>۵</sup>. همان، ص ۱۴.

<sup>۶</sup>. صابری، مهدی، «بررسی عوامل قتل‌های ناموسی»، فصل‌نامه علمی و تخصصی، دانشگاه انتظامی ایلام، شماره ۲۲، ۱۳۹۳، صص ۲۸ - ۲۹.

به صورت کل، قتل ناموسی سنت و فرهنگی است که مرد خانواده یکی از زنان خویشاوند خود را تحت عنوان ناموس و شرافت خانواده، به دلیل ارتباط نامشروع وی با جنس مخالف، حتی اگر زن قربانی تجاوز جنسی شده باشد، به قتل می‌رساند.<sup>۷</sup> اما در مورد عرض و ناموس حقوق‌دانان نظریات متفاوت بیان نموده است. دکتر گلدوزیان می‌گوید: «کلمات عرض و ناموس در قانون مجازات اسلامی به نحوی بیان شده که می‌توان گفت، باهم‌دیگر مترادف هستند، ولی با توجه به مفاهیم عرفی این دو واژه، می‌توان بیان نمود که مقصود عرض آبرو، عزت، شرافت و حیثیت خانوادگی می‌باشد؛ اما مقصود از ناموس، زنان خانواده‌ای است که وابسته به مرد و رعایت حرمت آنان از نظر موارد اخلاقی است.»<sup>۸</sup> (کمی تحلیل کنید)

## د - قتل‌های ناموسی به مثابه خشونت علیه زنان

رفتار خشونت‌آمیز با زنان، یک نوع نگرش منفی نسبت به آن‌ها و رابطه سلطه‌جویانه مردان بر زنان است. قتل ناموسی نیز می‌تواند زیرمجموعه‌ای این رابطه سلطه‌جویانه مردان بر زنان خانواده باشد.

زن باید تا آخر عمر به رابطه‌ای که با مرد بسته است، وابسته بماند و فقط جسد او می‌تواند از خانه شوهرش بیرون شود. این خشونت‌ها علیه زنان افغانستان از پشتوانه‌های قوی فرهنگی و سنتی برخوردار است، زیرا خشونت علیه زنان از متن الگوهای فرهنگی و مناسبات اجتماعی جامعه افغانستان برآمده است که بسیاری از این الگوها و مناسبات، نه خلق‌الساعه است و نه ویژه جامعه افغانستان، بلکه اکثر جوامع سنتی گذشته، نگرش مشابهی نسبت به زنان داشتند.

نکته قابل تأمل این است که فرهنگ‌های سنتی معمولاً توجه دینی می‌شوند و دین هم «بافت قبیله» می‌گیرد. در جوامع سنتی فرهنگ، رنگ خود را به دین می‌دهد و آنرا بر اساس معیارهای خود درمی‌آورد، زیرا دین در فرهنگ قبیله‌ای، منفعل و اثرپذیر است.<sup>۹</sup> (این جا از خودتان تحلیل کنید)

این بینش و نگرش بر وضعیت زندگی زنان افغانستان چنین تأثیرات دارد که زن در افغانستان به اتهام بدکارگی به قتل می‌رسد، زیرا مردان، زنان را همیشه مایه ننگ، شرم و بار دوش‌شان می‌دانند، لذا آنان برای از بین بردن این

<sup>۷</sup> همان، صص ۲۹-۳۰.

<sup>۸</sup> باهری، محمد و میرزا علی اکبر خان داور، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، تهران: مجد، ۱۳۸۰، ص ۸۸.

<sup>۹</sup> رابرت وایت، فیونا هینز، جرم و جرم‌شناسی، مترجم: علی سلیمی، قم، ناشر: انتشارات پژوهشگاه، چاپ سبحان، ۱۳۹۲، ص ۲۹۹.

لکه ننگ، دست به قتل آنها می‌زنند و این نوع خشونت، عنوان دفاع و محافظت از ناموس و شرف را به خود می‌گیرد. این اعمال در حقیقت از وحشیانه‌ترین و فجیع‌ترین قوانین عصر ما است که سالانه تعدادی زیادی از زنان، قربانی این عمل خشونت‌بار مردان می‌شوند.<sup>۱</sup> (نقل از دیگران تنها کافی نیست باید کمی از خود هم تحلیل کنید)

## گفتار دوم - علل جرم شناسی قتل‌های ناموسی در افغانستان

دلیل که می‌تواند بر قتل‌های ناموسی موثر باشد، سنتی بودن، نگرش جنسی و جسیتی نسبت به زنان، کتمان جرایم ناموسی به دلیل حساسیت‌های سنتی و سطح پایین سواد در افغانستان که دربرگیرنده تمامی جنبه‌های یک جامعه می‌باشد و باعث می‌گردد تا این نوع جرایم به حدی نگران‌کننده‌ای برسد، زیرا شهروندان جامعه سنتی افغانستان بیشتر از بی‌آبرو شدن و بی‌عزت شدن در جامعه ترس دارند، تا از مجازات رسمی و قانونی که توسط مرجع با صلاحیت برایشان تطبیق می‌شود. از دست دادن موقعیت، احترام و پیوند در جامعه، بسیار با اهمیت‌تر و با ارزش‌تر از تحمل مجازات رسمی و قانونی در یک جامعه سنتی است. شرف و پاکدامنی زن تنها به خودش تعلق ندارد؛ بلکه آن‌را سرمایه مشترک و همگانی اعضای خانواده، فامیل و قبیله می‌دانند. در این جامعه، فرد به رسمیت شناخته نمی‌شود؛ بلکه همه‌ای اعضای خانواده مربوط به قبیله یا کلان قوم هستند و هر عملی، چه خوب و چه زشت، از اعضای آن سربزند، بر سایر اعضای خانواده، فامیل و خویشاوندان نیز تأثیر می‌گذارد. تطابق فرهنگ در جوامع سنتی، همان آداب و رسوم قدیمی است که برای افراد بیان شده و همه باهم، همان راهی ثابت و مشخص را در پیش دارد که پیمودن آن، احساس آرامش و اطمینان در آن‌ها ایجاد می‌کند. (بیش از حد از منابع دیگران نقل کرده اید، این مطالب را باید به زبان خودتان بیان کنید لازم نیست که مستقیم از دیگران نقل کنید.)

در جامعه عشایری، نظارت اجتماعی امری یک‌طرفه و مردانه است و اغلب از سوی مردان اعمال می‌گردد و هیچ وقت دیده نمی‌شود که زنان، بر رفتار و تصمیمات مردان تأثیری داشته باشند؛ بلکه وظیفه اصلی آنان، رساندن خدمات اجتماعی به مردان است، از این‌رو، نظارت اجتماعی اعمال‌شده از سوی جامعه قبیله‌ای و سنتی، به خاطر ساختار سیاسی جامعه و قدرت مردان، تک‌نظارتی است و به آن نظارت مردانه می‌گویند. در چنین شرایطی، زنان حق اظهار نظر، توبیخ کردن و سرزنش نمودن آن‌ها را ندارند، ولی در حالی که زنان به هنگام دعوا و درگیری رابطه جنسی مردان‌شان را، به راحتی بیان می‌کنند و آن‌را افتخاری برای خود و لکه ننگی برای آن‌ها می‌دانند و

<sup>۱</sup>. فرید، شهلا، همان، ص ۲۵.

این سخن آنان، در جامعه زبانزد عموم می‌شود. در حالی که برعکس این سخن، پیامدهای اجتماعی دیگری را به بار می‌آورد و قتل ناموسی را رقم می‌زند.<sup>۱۱</sup>

## الف- عوامل فرهنگی و اجتماعی

قتل به خاطر شرف یا قتل‌های ناموسی، یکی از مسایل اجتماعی است که در سال‌های اخیر توجه روزنامه‌نگاران، حقوق دانان، مدافعان حقوق بشر، به ویژه مدافعان حقوق زن و نیز صاحب‌نظران اجتماعی و سیاسی را به خود جلب کرده است و مباحث مختلفی را در سطح بین‌المللی در پی داشته است.

قتل‌های ناموسی، رسم و سنت‌های قدیمی است که امروزه با وجود تحولات و دگرگونی‌های گسترده در جهان، هنوز در برخی از مناطق پابرجا مانده است. قتل‌های ناموسی را می‌توان یک نوع آدم‌کشی قلمداد کرد که در آن، یک زن به خاطر رفتار جنسی نامشروعی که مرتکب شده، یا احتمال داده می‌شود که مرتکب شده باشد، به قتل می‌رسد. گاهی انتشار شایعه یا یک خبر در سطح عموم نیز می‌تواند، بدنامی و بی‌آبرویی برای ناموس، خانواده و قبیله در پی داشته باشد. برای پاک کردن لکه ننگ، ایدئولوژی ناموس از طریق کنترل سیستماتیک اجتماعی که مجازات آن مرگ است، وارد عمل می‌شود.

در جوامع قبیله‌ای، اصطلاح ناموس از جمله مفاهیم و ارزش‌های منحصربه‌فردی دارد که آشکارکننده یک واقعیت اجتماعی و فرهنگی است. این قتل‌ها از نظر جامعه‌ای کم‌تر توسعه یافته و سنتی، جرم به حساب نمی‌آید؛ زیرا آبرو و عزت خود را در دناک‌تر از، از دست دادن یکی از اعضای خانواده یا خویشاوند خود می‌دانند. به این دلیل که قتل‌های ناموسی پدیده‌ای اجتماعی است و در بستر اجتماع شکل می‌گیرد، از همین رو، تبیین این پدیده براساس عامل محیط و ساختار اجتماعی و تاثیر آن در پیدایش و رشد قتل‌های ناموسی از اهمیت زیادی برخوردار است. بدین وسیله با بررسی گرایش افراد و گروه‌های مختلف به قتل ناموسی و چگونگی شکل‌گیری آن می‌توان: اولاً؛ باید عقاید، ارزش‌ها و نحوه بینش‌شان را نسبت به این پدیده مهلک بررسی کرد، دوماً؛ عقاید و نگرش ثابت را باید از عقاید و نگرش آنی و زودگذر باز شناخت و در اخیر، شدت گرایش را باید شناسی نمود تا براین اساس، عوامل عمده اجتماعی و فردی قتل‌های ناموسی را پیدا کرد؛ زیرا اجتماع سنتی، کهنه‌گرایی قوانین و ازدواج‌های اجباری و زیر سن، در شکل‌گیری، ارزش‌زدایی و تعصب ناموسی و به دنبال آن وقوع جرم، موثر بوده است. این

<sup>۱۱</sup> همان، صص ۳۰-۳۳.



نوع جرایم بازمانده میراث فرهنگی گذشته بوده و قوانین کنونی را تحت تاثیر قرار داده است.<sup>۱۲</sup> (فکر می کنم از منابع دیگران بیش از حد استفاده کرده اید)

## ۱- نگرش جنسیتی و جنسی نسبت به زنان

عوامل که زن را در فرهنگ افغانستان من حیث ننگ و ناموس می شناسد و رابطه مستقیم با انجام قتل های ناموسی دارد، نگرش و حساسیت های هم زمان جنسی و جنسیتی نسبت به مسایلی همچون آبرو، عزت و عفت است. این اوصاف، صرف در حوزه روابط جنسی معنی می شود و مردان اکثراً از زنان، افکار عامل تولید کننده نسل را دارد که در تمام دوران زندگی خود و به دلیل محدودیت های جسمانی ناشی از حاملگی و زایمان، از بسیاری از فعالیت های خارج از خانه، دور نگه داشته شوند و من حیث مال و دارایی، خود را مالک آنان می دانند. هم چنان نوع وسیله تمتع جنسی نیز قلم داد می کنند که هر زمانی مرد درخواست نماید، باید جواب مثبت برایش داده شود.

یعنی زنان را به عنوان ابزارهایی که به جهت رفع غرایز جنسی به کار می رود، نگریسته می شود. از این جا نتیجه گرفته می شود که طرز رفتار انسانی با زنان فقط به خاطر رفع غرایز جنسی تقلیل پیدا می کند.

بینش جنسیتی نسبت به زنان، در کنار تعریف تحقیر آمیزی که از زن در نگرش فرهنگی جامعه وجود دارد، زنان را به عنوان یک طعمه و ابزاری برای رفع غرایز جنسی تبدیل کرده اند. به همین دلیل است که مهم ترین نگرانی پدر در مقابل دخترش و بزرگترین ترس شوهر از زنش، به این مسأله برمی گردد و باعث می شود که همیشه مراقب او باشد. برای چنین ذهنیتی، هر مردی، حتی نزدیک ترین دوست، می تواند به صورت بالقوه یک متجاوز جنسی باشد؛ پس به هیچ صورت نمی توان بر وی اعتماد کرد. این بی اعتمادی، در حقیقت بیانگر عام بودن پدیده بی ناموسی در باور فرهنگی جامعه قبیله ای است.<sup>۱۳</sup>

نگرش جنسیتی، آبرو، عزت و عفت را که اصولاً ارزش های اخلاقی انسان ها است، مسایل زنانه قلمداد می کند و در مقابل، غیرت، شرف و مردانگی ارتباط مستقیم با مردان دارد. واژه غیرت در فرهنگ سنتی جامعه، ناموس پرستی

<sup>۱۲</sup>. زارع، بیژن و غانمی، کفاح، «بررسی عوامل اجتماعی موثر بر گرایش به قتل به خاطر شرف در دشت آزادگان»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره ۵۸-۵۹، صص ۱۳۴، ۱۳۵ و ۱۴۲.

<sup>۱۳</sup>. دای فولادی، قلمرو استبداد، ناشر بنیاد انکشاف مدنی، چاپ دوم، سال ۱۳۸۲، ص ۲۷۰.

تعریف شده و منظور از ناموس نیز زنان و دختران خانواده هستند که وابسته به مردان می‌باشند. در نتیجه مردان همیشه باید مراقب نوامیس خود باشند تا غیرت، عزت و شرافت‌شان محفوظ بماند.<sup>۱۴</sup>

مفهوم جنسیت دارای بار فرهنگی است و در فرهنگ‌های مختلف نیز متناسب با فرهنگ آن جامعه شکل می‌گیرد؛ اما با وجود تفاوت‌های ویژه و موجود، تقریباً در کلیه فرهنگ‌ها، مردان اشخاص قدرت‌مند از زنان در نظر گرفته می‌شوند. به صورت معمول، در جوامع مختلف جهان، فعالیت‌های زنان به پرورش کودکان و خانه‌داری محدود بوده و مردان در زمینه‌های فعالیت می‌کنند که به قدرت بدنی نیاز داشته و این نقش‌های جنسیتی را می‌توان به صورت نقش‌های کلیشه‌ای در جوامع مختلف یافت که به صورت جدی در هر جامعه قابل پیروی و اجرا هستند. حاصل این نوع عمل‌کرد، جنسیتی اندیشیدن است که موجب پدیده‌ای به نام نقش‌های جنسی متفاوت می‌شود. این همواره به حالتی نابرابر بین دو جنس تقسیم و سبب بروز تبعیض جنسیتی شده که نشان می‌دهد، زنان و مردان در جامعه نسبت به یکدیگر جایگاهی متفاوت و نابرابر دارند و این نقش‌های جنسیتی را همواره در فعالیت‌های روزمره مشاهده می‌کنیم.<sup>۱۵</sup> (باید از خود تحلیل کنید)

## ۲- کتمان واقعات قتل ناموسی به دلیل حساسیت سنتی

پنهان کردن وقوع قتل‌های ناموسی توسط خانواده‌ها، بخشی از مسایل پذیرفته شده در جامعه افغانستان به حساب می‌آید؛ زیرا مردم ما این نوع جنایت را مسایل خانوادگی و قبیله‌ای قلمداد می‌کند و پرداختن به آن‌ها، بسیار حساسیت‌برانگیز می‌باشد. دلیل این امر در اغلب موارد، موافقت، همراهی و هم‌دستی اعضای خانواده در ارتکاب این جرم توسط مرتکب است. آن‌ها انجام این عمل را برای احیای شرف و آبروی لکه‌دارشده خانواده ضروری می‌دانند و در نتیجه، در بسیاری از موارد، این جنایت با توافق جمعی آن‌ها صورت می‌گیرد.

از این رو، وقوع قتل ناموسی معمولاً کتمان می‌شود و از اطلاع‌رسانی در باره آن جلوگیری می‌گردد. به دلیل این حساسیت‌ها، از یک طرف وضعیت و میزان قتل ناموسی در جامعه افغانستان مشخص شده نمی‌تواند و از سوی

---

<sup>۱۴</sup> . کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، همان، صص ۹۵-۹۶.

<sup>۱۵</sup> . شکرپیگی، عالیه، «نابرابری جنسیتی «لبه تیز تبعیض علیه زنان» در ایران»، بیجا، بیتا، صص ۳-۵.

دیگر، دست ارگان‌های قضایی و امکان رسیدگی به قضایا و مجازات مرتکبین آن را باز نمی‌گذارند که خود یک نوع عامل موثر برای وقوع و ازدیاد چنین جرایم محسوب می‌شود.<sup>۱۶</sup>

### ۳- بی‌سوادی و سطح پایین آگاهی‌های عمومی

بیش از ۸۰ درصد مردم افغانستان بی‌سوادی هستند و زنان افغانستان به دلیل حاکمیت رسوم و سنت‌ها در جامعه، محروم‌ترین و آسیب‌پذیرترین قشر جامعه هستند. لذا بی‌سوادی و عدم آگاهی مردم یکی از علل‌های حاد برای وقوع قتل‌های ناموسی محسوب می‌شود. زیرا این عقب‌ماندگی تحصیلی از سالیان دراز، به شهروندان افغانستان به میراث گذاشته شده و پیامدهای ناگواری را تا به حال در جامعه رقم زده است. یکی از عوامل بی‌سوادی، فقر فرهنگی و ضعف در رفتار اجتماعی با یک قشر مشخص جامعه (زنان) مبدل گردیده است، به همین دلیل است که مردم اکثراً از مسایل اجتماعی به دور بوده و از افکار کهنه خودشان برای برخورد با اعضای خانواده استفاده می‌نمایند، که این امر سبب رفتارهای خشونت‌آمیز با زنان و حتی در بسیاری از مواقع، سبب مرگ آنان می‌گردد. بدون شک این اعمال خشونت‌آمیز در جوامع سنتی و بی‌سوادی، بیشتر از جوامع مدرن و باسوادی وجود دارد؛ زیرا جامعه بی‌سوادی معمولاً هم در مقابل جرم آسیب‌پذیراند و هم طرز برخوردشان غیر منطقی، نامناسب و خشونت‌آمیز می‌باشد. مثلاً نگرش تحقیرگرانه نسبت به زنان، حساسیت‌های شدید سنتی را در مقابل خود دارد و در میان افراد بی‌سوادی، بسیار بیشتر از افراد آگاه و باسوادی است. یکی از دلایل مهم قتل زنان و دختران به خاطر مسایل ناموسی نیز ناشی از همین نکته است.<sup>۱۷</sup>

### ب - عوامل روانی قتل‌های ناموسی

از نظر روان‌شناسی، مردانی که دست به قتل‌های ناموسی می‌زنند، نگرش، بینش و سطح تحصیلات آنان در اجتماع به مراتب پایین‌تر از سایر اشخاص جامعه می‌باشند. این افراد اکثراً از امراض روحی و روانی رنج می‌برند و این اختلالات روانی، از عوامل مهم و عمده در بروز قتل‌های ناموسی است. مردان برای اینکه بتواند حس مالکانه خود را زنده نگهدارد، در ساده‌ترین حالت، یکی از اعضای خانواده مثل همسر، مادر، خواهر، دختر و... را به عنوان مال

<sup>۱۶</sup>. خالقی، مینو، نقش و تاثیر رسانه‌های جمعی بر وقوع قتل‌های شرافتی، رسانه و فرهنگ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره دوم، ۱۳۹۲، صص ۲۸، ۴۷ و ۴۸.

<sup>۱۷</sup>. موسوی، سید مهدی، «سوی دیگر نابرابری جنسیتی، مردان و خصوصیات مردانگی در افغانستان»، سال چهاردهم، ص ۲۹.

<sup>۱۸</sup>. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، همان، ص ۹۹.

و دارایی خود قرار داده که در صورت بدگمانی یا سوء ظن کوچک، دست به قتل زنان، تحت عنوان قتل‌های ناموسی می‌زنند.<sup>۱۹</sup>

ضمیمه یک بررسی که در مورد وضعیت روانی قاتلان از منظر روان‌پزشکی در ایران صورت گرفته است، بیان‌گر این است که قاتلان بیماران روانی هستند و از انواع اختلالات روانی رنج می‌برند؛ این بیماری یک جزء ژنتیکی است، به این دلیل که شخص ممکن است به طور ذاتی به سمت آن گرایش داشته باشد که اغلب موجب بروز فشاری شده که شخص را به طرف وهم و خیالات هدایت می‌کند و رابطه او را با واقعیت، دچار آشفتگی می‌کند. اولین علائم این بیماری شامل احساس تنش، پریشانی و از دست دادن احساس نسبت به زنان بوده و در مرحله بعدی، تشدید بدگمانی و سوظن‌ها در گفتار می‌باشد که باعث می‌گردد تا افراد به برخی از خشونت‌ها متمایل شوند.<sup>۲۰</sup>

### ۱- بدگمانی

بدگمانی یا داشتن افکار منفی نسبت به زنان در فرهنگ و باورهای جامعه سنتی افغانستان از گذشته‌ها دور وجود داشته به همین دلیل اغلباً زنان‌ای که مورد بدگمانی قرار می‌گیرند توسط فامیل به خصوص شوهران شان به قتل می‌رسند.

نکته بارز بدگمانی و توهم در مورد زنان و دختران است که بیرون از خانواده یعنی در جامعه مصروفیت دارد و با اشخاص بیگانه در ارتباط است زیرا مردهای خانواده احساس می‌کند که باید در برابر این گونه روابط ایستادگی کرد و گرنه اصالت و هویت شان به خطر می‌افتد و به آن خیانت خواهی کرد که یک دلیل قوی برای از بین بردن خانم‌ها به حساب می‌آید. فرهنگی محسوب می‌گردد.

زمانی که یک خانواده نتواند مشکلات درون خانوادگی خود را از راه گفتگو و مصالحه صلح‌آمیز حل کند به بیماری عدم درک و فهم یکدیگر و نیز فقدان درک موضوعات جدید که مبتلا به جامعه خواهید شد زیرا عدم

---

<sup>۱۹</sup>. فرید، شهلا، همان، صص ۶۴ و ۶۵.

<sup>۲۰</sup>. غلاملو، جمشید، قاتل سریالی، بیمار روانی مسئول؛ جستاری در سیاست کیفری ناظر به قتل‌های سریالی، پژوهش حقوق کیفری، شماره سوم، ۱۳۹۲، صص ۱۶۴-۱۶۸.

درک صحیح از مسائل و تحلیل دقیق از تحولات روزباعت خشونت های فجیع همچون قتل های ناموسی می شود که این سوظن ها از طریق ژنتیک از نسل به نسل ها دیگر نیز منتقل می گردد.<sup>۲۱</sup>

این بدگمانی یا سوظن ها به دلایل ذیل می تواند رخ دهد:

۱ - در اثر عشق و علاقه بی اندازه بین زن و شوهر و سایر اعضای خانواده

۲- به محض مرتکب شده کوچکترین اشتباه که باید با خون خود قربانی جرم پاک گردد.<sup>۲۲</sup>

## ۲- اعتیاد به مواد مخدر

درگیری و نزاع های ناشی از استفاده مواد مخدر و یا مشروبات الکولی یکی از علل و انگیزه های وقوع قتل در افغانستان می باشد. زیرا انسان پس از استفاده از مواد مخدر به خصوص مواد توهم زا قوه تمیز و تشخیص شان کاهش یافته و کنترل اعمال خود را از دست می دهد و با کوچک ترین محرک یا درگیری عکس العمل های خشن از خود نشان می دهد چون اکثر قربانیان ناشی از اختلافات خانوادگی را زنان تشکیل می دهد پس رایج ترین نوع خشونت های خانوادگی را، خشونت علیه زنان محسوب نموده اند، که این خشونت باعث تجاوزات جنسی و قتل های ناموسی می گردد.<sup>۲۳</sup>

## گفتار سوم - راهکارهای قانونی مقابله با قتل های ناموس

### الف - قوانین ملی

#### ۱- قانون اساسی

ماده های ۷، ۲۲، ۵۴، ۴۴ از مهم ترین مواد قانون اساسی است که به حقوق برابر زنان با مردان تأکید نموده و دولت را مکلف به برنامه های می نماید که به بهبود وضعیت زنان موثر باشد.

<sup>۲۱</sup>. بختیاری نژاد، پروین، همان، ص ۲۰.

<sup>۲۲</sup>. مجیدی، حسن، قشلاقی، مدینه، «خوش بینی از منظر قرآن و حضرت علی "ع" در نهج البلاغه»، فصلنامه سراج منیر، شماره ۹، ۱۳۹۱، ص ۹۱.

<sup>۲۳</sup>. نجفی ابراند آبادی، علی حسین و دیگران، مطالعه انگیزه های مختلف قتل و عوامل مرتبط با آن در استان فارس از اول فروردین

۱۳۸۱ تا آخر اسفند ۱۳۹۰، مجله پزشکی قانونی ایران، ۲۱، شماره ۳، ۱۳۹۴، ص ۱۹۴.

ماده ۷: «دولت منشور ملل متحد، معاهدات بین الدول، میثاق های بین المللی که افغانستان به آن ملحق شده است و اعلامیه جهانی حقوق بشر را رعایت می کند...»

قانون اساسی در این ماده دولت را به رعایت اسناد و تعهدات بین المللی مکلف می نماید، که توسط دولت امضاء و یا تصویب شده باشد، این تعهداتی شامل کنوانسیون ها و میثاق های بین المللی حمایت کننده حقوق زنان می باشد، مثل کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، اعلامیه منع خشونت علیه زنان و میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز می گردد.

ماده ۲۲: «هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است. اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و وجایب مساوی می باشند.»<sup>۲۴</sup> در این قانون برابری جنسیتی به صراحت تسجیل گردیده و هر نوع تبعیض بین اتباع کشور ممنوع و غیر قانونی عنوان شده است.

ماده ۲۳: «زندگی موهبت الهی و حق تبعی انسان است هیچ شخصی بدون مجوز قانونی از این حق محروم نمی گردد.»<sup>۲۵</sup> این ماده دولت را مکلف می سازد تا از قتل ها خود سرانه به نام قتل های ناموسی که یکی از مصادیق خشونت علیه زنان می باشد، جلوگیری نماید.

همچنان ماده ۴۴ قانون اساسی، دولت را مکلف به تأمین شرایط انکشاف متوازن آموزش و پرورش به ویژه برای زنان نموده است. دولت به منظور ایجاد توازن، بهبود و انکشاف تعلیم برای زنان و کوچیان، امحای بی سوادی در کشور، مکلف است پروگرام های موثر طرح و تطبیق نماید.

در این ماده قانونگذار به تبعیض مثبت به نفع زنان پرداخته و دولت افغانستان را در برابر حق آموزش و پرورش زنان به صورت خاص هدایت داده و مکلف به ایجاد راهکارهای روشن و مؤثر نموده است

مکلفیت دولت در حمایت از خانواده در ماده ۵۴ قانون اساسی تذکر داده شده است. در این ماده تأمین سلامتی روحی و بدنی مادر و کودک به عنوان یکی از مکلفیت های مهم دولت تعریف گردیده و به دولت وظیفه داده شده است که شرایط لازم و مبتنی بر نیاز را در این زمینه، بوجود آورد، زیرا خانواده رکن اساسی جامعه را تشکیل

---

۲۴. ماده (۲۲) قانون اساسی افغانستان، ۱۳۸۲.

۲۵. همان ماده ۲۳.

داده، و مورد حمایت دولت قرار دارد. دولت به منظور تامین سلامت جسمی و روحی خانواده بالاخص طفل و مادر، تربیت اطفال و برای از بین بردن رسوم مغایر با احکام دین مقدس اسلام، تدابیر لازم اتخاذ می کند.

## ۲- قانون منع خشونت علیه زنان

تنفیذ قانون منع خشونت علیه زن، یکی از اساسی ترین کارهایی دولت افغانستان می باشد، که جهت مبارزه با خشونت علیه زن در کشور ایجاد کرده است. بر اساس ماده دوم، هدف این قانون تامین حقوق شرعی و قانونی و حفظ کرامت انسانی زن، حفظ سلامت خانواده و مبارزه علیه رسوم، عرف و عادات ناپسند که سبب خشونت می گردد. حمایت از قربانیان خشونت، جلوگیری از خشونت، تامین آگاهی و آموزش و بلند بردن سطح آگاهی عامه و تعقیب عدلی مرتکب جرم خشونت بوده که به خاطر جلوگیری از خشونت علیه زنان انجام شده است.

هرچند این قانون به قتل ناموسی به صراحت نپرداخته است، اما در ماده سوم این تعریف نموده و تصریح نموده؛ «اعمالی که موجب صدمه به شخصیت، جسم، مال یا روان زن گردد»، خشونت علیه زن قلمداد می شود. این اعمال در ماده پنجم ذکر شده و در راس آن ها «تجاوز جنسی» نیز قرار گرفته، که اکثرا منجر به قتل های ناموسی می گردد.

ماده ۸ تا ۱۵ این قانون نهادهای حمایت کننده از زنان را در برابر خشونت معرفی نموده و مسؤولیت های هریک از آن ها را در رابطه به رفع خشونت علیه زن، تذکر داده است.

فصل سوم این قانون به مسایل جزایی جرایم خشونت علیه زن پرداخته است. از مهم ترین ماده های این قانون ماده ۴۳ بوده، چنین تصریح می کند در صورتی که احکام این قانون با سایر قوانین عادی کشور، در مغایرت باشد، به احکام این قانون ارجحیت داده می شود.

## ب - کنوانسیون ها و اعلامیه های بین المللی

ماده هفتم قانون اساسی افغانستان دولت را مکلف می سازد تا «منشور ملل متحد، معاهدات بین الدول، میثاق های بین المللی که افغانستان به آن ها ملحق گردیده و اعلامیه جهانی حقوق بشر» را رعایت نماید. در حقیقت این ماده قانون اساسی، اساس مکلفیت دولت در رعایت تمام اسناد بین المللی حقوق بشر است که دولت آن ها را امضاء یا تصویب نموده است. شماری از مهم ترین اسناد که احکامی در حمایت از حقوق زنان دارد و یا به آن اختصاص داده شده است. در زیر معرفی می شوند.

## ۱- کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان

این کنوانسیون بر رفع تبعیض علیه زنان و اتخاذ تدابیر برای حمایت از حقوق آنان و تأمین برابری زنان با مردان و رفع خشونت علیه زن تأکید کرده است. این مسایل نوعی مکلفیت قانونی دولت های عضو عنوان گردیده است. که در ماده دوم این کنوانسیون آمده است:

«دولت عضو، هر گونه تبعیض علیه زنان را محکوم کرده، موافقت می نماید که بدون درنگ سیاست رفع تبعیض از زنان را با کلیه ی ابزارهای مناسب دنبال نموده و با این هدف، موارد زیر را متعهد می شوند.»

الف: گنجاندن اصل مساوات میان زنان و مردان در قانون اساسی یا سایر قوانین مربوطه ی هر کشور، چنان چه تا کنون منظور نشده باشد، و تضمین تحقق عملی این اصل به وسیله ی وضع قانون یا سایر طرق مناسب دیگر تضمین کنند.

ب: تصویب قوانین مناسب و یا اقدامات دیگر، از جمله مجازات در صورت اقتضاء، به منظور رفع تبعیض از زنان؛

ج: برقراری حمایت قانونی از حقوق زنان بر مبنای برابری با مردان و حصول اطمینان از حمایت مؤثر از زنان در مقابل هر گونه اقدام تبعیض آمیز از طریق مراجع قضایی ذی صلاح ملی و سایر مؤسسات دولتی؛

د: خودداری از انجام هر گونه عمل و حرکت تبعیض آمیز علیه زنان و تضمین رعایت این تعهدات توسط مراجع و مؤسسات دولتی؛

ه: اتخاذ کلیه اقدامات مناسب جهت رفع تبعیض از زنان توسط هر شخص، سازمان، و یا شرکت های خصوصی؛

و: اتخاذ تدابیر لازم از جمله وضع قوانین به منظور اصلاح یا فسخ قوانین، مقررات، عرف یا روش های موجود که نسبت به زنان تبعیض آمیز اند؛

ز: فسخ کلیه ی مقررات کیفری ملی که موجب تبعیض نسبت به زنان می شود؛

مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در ماده دوم این کنوانسیون به صورت خیلی واضح مکلفیت های دولت های عضو را در زمینه برابری جنسیتی در قانون گذاری و اقدام به تعدیل و حتا فسخ قوانین، مقررات، عرف و یا روش های موجود که نسبت به زنان تبعیض آمیز اند، مشخص می سازد. در ماده پنجم آن بیان نموده است: "دولت عضو اقدامات مقتضی زیر را به عمل می آورد.



۱- تغییر الگوهای اجتماعی و فرهنگی رفتار مردان و زنان به منظور از میان برداشتن تعصبات سنت ها و روش هایی که مبتنی بر آرمان، طرز فکر، پست نگری یا برترنگری جنسیت و یا نقش های کلیشه ای برای مردان و زنان می باشد.

۲- حصول اطمینان از این که تربیت خانواده، درک صحیح از وظیفه اجتماعی مادر و شناسایی مسئولیت مشترک مرد و زن در پرورش و تربیت کودکان را شامل می گردد، منافع کودکان در تمام موارد در اولویت قرار دارد. " در این ماده دولت های عضو را مکلف نموده است تا رفتارهای اجتماعی و فرهنگی که باعث تعصب و برگرفته شده از سنت های ناپسند، روش های مبتنی بر طرز و فکر، پست نگری و برترنگری جنسیتی میان مردان زنان وجود دارد را از میان بردارد.

هم چنان ماده ششم کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض علیه زن می نویسد:

«دولت عضو کلیه اقدامات مقتضی از جمله وضع قوانین رابه منظور جلوگیری از سوء استفاده از زنان و استثمار آنان به عمل خواهند آورد.» مبتنی بر محتوای این ماده دولت های عضو ملکف اند تا هر عملی را که سبب سوء استفاده از زنان گردیده و به نحوی علیه آنان خشونت را در پی داشته باشند از لحاظ قانونی ممنوع بود. باید اصلاح گردد.

## ۲- اعلامیه محو خشونت علیه زنان

این اعلامیه با توجه اسناد حقوق بشری دیگر، و به منظور حمایت بیشتر از زنان تهیه و در ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده است.

ماده اول این اعلامیه خشونت علیه زن را تعریف می نماید. مبتنی بر این تعریف، «خشونت علیه زنان به معنی هر عمل خشونت آمیز بر اساس جنس است که سبب آسیب رساندن یا رنجاندن جسمی، جنسی، یا روانی زنان منجر شود، یا احتمال آن وجود داشته باشد، از جمله تهدیدات یا اعمال مشابه، اجبار یا محروم کردن مستبدانه زنان از آزادی، که در منظر عموم یا در خلوت زندگی خصوصی انجام شود.»

در ماده دوم بعضی از موارد خشونت علیه زنان نام برده شده است.

الف: خشونت جسمی، جنسی و روانی که در خانواده اتفاق می افتد، از جمله لت و کب کردن، آزار جنسی اطفال مونث در فامیل، خشونت مربوط به جهیزیه، تجاوز توسط شوهر، ختنه زنان و دیگر رسوم عملی که به زنان آسیب می رساند، خشونت های خارج از ازدواج و خشونت مربوط به استثمار زنان؛

ب: خشونت جسمی، جنسی و روانی که در حوزه زندگی جمعی و اجتماع اتفاق می افتد، از جمله تجاوز، سوء استفاده جنسی، آزار جنسی و ارباب در محیط کار، در مراکز آموزشی و جاهای دیگر، قاچاق زنان و تن فروشی اجباری،

ج: خشونت جسمی، جنسی و روانی، در هر جایی، که توسط دولت انجام می شود و یا در صورت انجام به آن بی توجه ای می نمایند.

در ماده سوم این اعلامیه آمده است که زنان حق دارد تا از حقوق مساوی در همه عرصه های بنیادی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و مدنی یا در عرصه های دیگر مستفید گردد. همچنان در ماده چهارم این اعلامیه به مسئولیت های دولت های عضو، در برخورد با پدیده خشونت علیه زنان تأکید نموده است. در ابتدای این ماده تصریح شده، «دولت ها باید خشونت علیه زنان را محکوم نموده و نباید هیچ رسم، سنت یا ملاحظات مذهبی را برای وظیفه خود در رابطه با حذف آن بهانه کنند. دولت ها باید با استفاده از تمام شیوه های مناسب و بدون تأخیر یک سیاست حذف خشونت علیه زنان را تا پایان آن دنبال کنند.»

### ۳- میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

کنوانسیون بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک معاهده چند جانبه در خصوص حقوق بشر. این کنوانسیون مجموعه گسترده ای از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مربوط به زندگی انسان ها است که کشور های عضو باید بای شهروندانش فراهم نماید.

در این میثاق به مسائلی اشاره گردیده است که به تساوی و عدم تبعیض بین زن و مرد ارتباط داشته و خشونت یا برخورد غیر عادلانه با زنان را ممنوع قرار می دهد.

ماده سوم این میثاق می نویسد:

«کشورهای طرف این میثاق متعهد می شوند که تساوی حقوق مردان و زنان را در استفاده از کلیه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مقرر در این میثاق تامین نمایند.»

در ماده هفتم این میثاق به مزد مساوی برای کار با ارزش مساوی بدون هیچ نوع تمایز بین زن و مرد اشاره گردیده است.

هم چنان در ماده نهم این کنوانسیون نیز آمده است "کشورهای عضو این میثاق حق هر شخص را به تامین اجتماعی از جمله بیمه های اجتماعی به رسمیت می شناسد.

#### ۴- میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی

این کنوانسیون یک معاهده چند جانبه بوده که توسط مجمع عمومی ملل متحد تصویب و دولت های طرف این میثاق متعهد می شوند که حقوق شناخته شده در این میثاق را در باره کلیه افراد مقیم در قلمرو و تابع حاکمیت شان بدون هیچ گونه تمایزی از قبیل نژاد، رنگ، جنس، زبان مذهب، عقیده سیاسی یا عقاید دیگر، اصل و منشا ملی یا اجتماعی، ثروت، نسب یا سایر وضعیت ها محترم شمرده و تضمین کنند.» (افغانستان به تاریخ ۲۴ جنوری ۱۹۸۳ به این کنوانسیون ملحق شد.

بنابراین، هر نوع تبعیض و تفاوت بین زن و مرد با توجه به این ماده در زندگی اجتماعی ممنوع بوده و دولت های عضو مکلف به طرح و پی گیری سیاست های تعریف شده در زمینه تأمین برابری زن و مرد و همچنان از بین بردن زمینه هایی که منجر به تبعیض و خشونت علیه زن می گردد، می باشند.

در این میثاق ماده سوم به تساوی حقوق زن و مرد در استفاده از حقوق مدنی و سیاسی و ماده بیست و سوم « به برسمیت شناختن حق نکاح و تشکیل خانواده برای زنان و مردان به صورت مساوی در زمانی که به سن قانونی ازدواج می رسند، اشاره دارد و همچنان هیچ نکاحی بدون رضایت آزادانه و کامل طرفین منعقد نمی شود.»

#### نتیجه گیری

در شرایطی که فضای سیاسی جامعه به سوی دموکراتیک شدن در حرکت است و بیشتر شعارها روی این اصل استوار می باشد؛ اما بسیاری از هنجارهای سنتی و رادیکالی جامعه همچنان سد راه مشارکت و فعالیت فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی یک قشر بزرگ اجتماع افغانستان قرار دارد. چالشی به نام قتل های ناموسی که یکی از مصادق قتل های عمد است و قربانی آن توسط خویشاوندان مقتول به گمان برقراری رابطه جنسی با یک مرد بیگانه، مبادرت به عمل زنا، مورد تجاوز قرار گرفتن، فرار از منزل و یا حتی خودداری از ازدواج اجباری به قتل می رسد.

در تحقیق مذکور روی مفهوم قتل های ناموسی، پیامدهای فرهنگی و اجتماعی این قتل ها، و نیز راه های قانونی برای مقابله با این پدیده ای غیر انسانی تمرکز صورت گرفته است. بر بنیاد این تحقیق قتل های ناموسی بیشتر در جوامع وجود دارد که فضای خفقان سیاسی در آن حاکم است و زنان نسبت به مردان از جایگاهی پایینی

برخورداراند. از دید افراد این جامعه، زنان بیشتر در خدمت مردان قرار دارند و دایره فعالیت آنان نیز از سوی مردان خانواده مشخص می‌شود. به دلیل فرهنگ‌ها و سنت‌های رایج در جامعه افغانی، منظور از واژه «ناموس»، همسر، مادر، خواهر، دختر و یا زنان خانواده مرد هستند. از این‌رو حافظ و نگهدار ناموس، صرف به مردان خانواده تصور شده و متعلق به آنان می‌باشد و مرد را در موقف نظارت و سلطه بر زنان قرار می‌دهد.

دلیل که می‌تواند برقتل‌های ناموسی موثر باشد، سنتی بودن، نگرش جنسی و جنسیتی نسبت به زنان، دسترسی محدود آن‌ها در اجتماع، کتمان جرایم ناموسی به دلیل حساسیت‌های سنتی و سطح پایین سواد در افغانستان که دربرگیرنده تمامی جنبه‌های یک جامعه می‌باشد و باعث می‌گردد، لذا این نوع جرایم به حدی نگران‌کننده‌ای برسد، زیرا شهروندان جامعه سنتی افغانستان بیشتر از بی‌آبرو شدن و بی‌عزت شدن در جامعه ترس دارند، تا از مجازات رسمی و قانونی که توسط مرجع با صلاحیت برای‌شان تطبیق می‌شود.

با تمام این مباحث و چالش‌های که در زمینه قتل‌های ناموسی وجود دارد، ابزارهای قانونی زیادی است که با تطبیق آن‌ها، می‌توان میزان این رویدادها را کاهش داد و از زنان در برابر اعمال خشونت‌آمیز حمایت کرد. قانون اساسی افغانستان دولت را مکلف ساخته است که به تمام تعهدات خود در مورد اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی که پای آن را امضاء کرده است، پای بند باشد. از سوی دیگر قانون اساسی کشور به تساوی جنسیتی میان مردان و زنان تاکید کرده است و می‌تواند جامعه طبقه‌بندی شده‌ای زنان و مردان را از میان ببرد.

## پیشنهادات

- تطبیق عادلانه قوانین و ایجاد محاکم اختصاصی برای رسیدگی به قضایای خشونت علیه زنان در سراسر کشور.
- جرم‌انگاری قتل‌های ناموسی به عنوان مصداق از قتل عمد و تعیین مجازات متناسب با آن برای مرتکب این جرم.
- از بین بردن سیستم معافیت از قانون و مجازات مجرمین قتل‌های ناموسی در افغانستان.
- فرهنگ‌سازی اجتماعی و محو فرهنگ‌های سنتی از زندگی خانوادگی و اجتماع مردم افغانستان، که باعث ترویج خشونت و فراگیر شدن عقاید سنتی در باره اعمال خشونت علیه زنان و دستیابی به اهداف شان می‌گردد.

## منابع

## کتاب‌ها

۱. رابرت وایت و فیونا هینز، جرم و جرم‌شناسی، مترجم علی سلیمی، قم، انتشارات پژوهشگاه، چاپ سبحان، ۱۳۹۲.
۲. احمدی، حبیب، جامعه‌شناسی انحرافات، نشر و چاپ وزارت ارشاد و فرهنگ، ۱۳۸۷.
۳. باهری، محمد و میرزا علی اکبر خان داور، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، تهران مجد، ۱۳۸۰.
۴. بختیاری نژاد، پروین، فاجعه خاموش (قتل‌های ناموسی)، چاپ و نشر نامعلوم.
۵. دای فولادی، قلمرواستبداد، چاپ دوم، ناشر بنیاد انکشاف مدنی، ۱۳۸۲.
۶. فرید، شهلا، روایتی از زندگی زنان افغانستان (قتل‌های ناموسی)، کابل، انتشارات نویسا، ۱۳۹۷.

## مقالات

۷. خالقی، مینو، «نقش و تاثیر رسانه‌های جمعی بر وقوع قتل‌های شرافتی»، رسانه و فرهنگ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره دوم، ۱۳۹۲.
۸. زارع، بیژن و غانمی، کفاح، «بررسی عوامل اجتماعی موثر برگرایش به قتل به خاطر شرف در دشت آزادگان»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره ۵۸-۵۹، بیتا.
۹. شکرپیگی، «عالیه، نابرابری جنسیتی «لبه تیز تبعیض علیه زنان» در ایران».
۱۰. صابری، مهدی، «بررسی عوامل قتل‌های ناموسی»، فصل‌نامه علمی و تخصصی، دانشگاه انتظامی ایلام، ۱۳۹۳.
۱۱. غلاملو، جمشید، «قاتل سریالی، بیمار روانی مسئول؛ جستاری در سیاست کیفری ناظر به قتل‌های سریالی»، پژوهش حقوق کیفری، شماره سوم، ۱۳۹۲.
۱۲. فرید، شهلا، «ا، خشونت علیه زنان»، ناشر: آسیا فونديشن، چاپ: خدمات طباعتی بنگاه زنان افغان، ۱۳۸۵.
۱۳. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، «عوامل و زمینه‌های تجاوز جنسی و قتل‌های ناموسی در افغانستان»، ۱۳۹۲.
۱۴. موسوی، سید مهدی، «سوی دیگر نابرابری جنسیتی»، مردان و خصوصیات مردانگی در افغانستان، ۱۳۹۴.
۱۵. مجیدی، حسن، قشلاقی، مدینه، «خوش بینی از منظر قرآن و حضرت علی "ع" در نهج البلاغه» فصلنامه سراج منیر، شماره ۹، ۱۳۹۱.

۱۶. نجفی ابراند آبادی ، علی حسین و دیگران، «مطالعه انگیزه های مختلف قتل و عوامل مرتبط با آن» در استان فارس از اول فروردین ۱۳۸۱ تا آخر اسفند ۱۳۹۰، مجله پزشکی قانونی ایران، شماره ۳، ۱۳۹۴.

### قوانین داخلی

۱۷. قانون اساسی افغانستان ۱۳۸۲.

۱۸. قانون منع خشونت علیه زنان.

### کنوانسیون ها و مقرره ها

۱۹. اعلامیه محو خشونت علیه زنان.

۲۰. کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان.

۲۱. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی.

۲۲. میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی.

### توضیحات:

۱- در سراسر نوشته نقل از دیگران خیلی زیاد است.

۲- در اول و آخر هر پاراگراف باید نه تنها نقل قول و باید نظر خودتان را بنویسید.

۳- نقل قول بیش از حد نوشته از ارزش می اندازد.

۴- مشکلات با رنگ زرد نشانی شده است.

۵- تا آنجا که رنگ کرده ام خواندم و چون مشکلات عدم تحلیل زیاد بود بقیه را نخواندم. اصلاح کنید.

با احترام

حکیمی